

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۴۸۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

چهارشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۴
۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۳ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
• شماره ۵۱۹۵
۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴
• اذان صبح فردا ۴:۱۲
• طلوع آفتاب ۵:۳۹



«در آستانه بازگشایی مدارس، بازار لوازم‌التحریر رونق گرفته و اولیای دانش‌آموزان با مراجعه به بازار تهران نسبت به خریداری لوازم موردنیاز فرزندان خود اقدام می‌کنند. عکس: عباس تاجیک‌یار، آنا
»

youtube:sharghdaily
 telegram:SharghDaily
 aparat:tasvirshargh
 www.sharghdaily.com
 instagram:sharghdaily1
 twitter:sharghdaily

وقتی رسانه‌ها صدای مردم را نمی‌شنوند



قادرباستانی‌تبریزی

آموزش‌دیده اداره ششوند، بیشتر کنشگران سیاسی، غیررسانه‌ای یا اجتماعی در تحریریه‌ها حضور دارند. این جابه‌جایی نقش‌ها پیامدهای سنگینی دارد. رسانه از درون تضعیف می‌شود، استانداردهای حرفه‌ای سقوط می‌کنند و نیروهای متخصص و ماهر کم‌کم از میدان رانده می‌شوند. در تجربه شخصی خود نیز بارها دیده‌ام که این غلبه سیاست بر خبر چگونه مسیر تحریریه را تغییر داده است. در جهان روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، مثلی بنیادین تعریف شده که شامل سیاست رسانه‌ای، ارزش رویداد و نیاز مخاطب است. کارکرد درست رسانه فقط زمانی محقق می‌شود که این سه ضلع در تعادل باشند. مشکل رسانه‌های رسمی ایران آنجاست که فقط بر یک ضلع، یعنی سیاست رسانه‌ای، تکیه کرده و دو ضلع دیگر را کوچک و کم‌رنگ ساخته‌اند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها دنیا، حتی رسانه‌های تجاری نیز برای شناخت و پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب سازوکارهای دقیق دارند. رسانه‌های بزرگ، غالباً در کنار سردبیر رسمی، فردی را به عنوان سردبیر مخاطب منصوب می‌کنند که وظیفه‌اش فقط نیازسنجی، رصد افکار عمومی و تحلیل دغدغه‌های جامعه است. رسانه‌های ما اما نه‌تنها چنین جایگاهی را تعریف نکرده‌اند، بلکه اساساً نگاه به نیاز مخاطب را به حاشیه رانده‌اند. به یاد دارم در بهمن ۷۳، زمانی که روزنامه دولتی ایران آغاز به کار کرد، حسین الهامی، سردبیر چیره‌دست آن روزنامه، در تحریریه بخشی را با عنوان آینه تعریف کرده بود. دبیری این سروسیس برعهده محمد آقازاده و مأموریتش سنجش مداوم افکار عمومی بود؛ بخشی که قرار بود صدای جامعه را بی‌واسطه به تحریریه منتقل کند. این تجربه نشان می‌داد که حتی در رسانه‌ای دولتی هم می‌توان مخاطب را در مرکز توجه قرار داد، اگر اراده‌ای جدی برای درک نیازهای او وجود داشته باشد.

در این میان نکته‌ای کلیدی وجود دارد و آن تفاوت نیاز مخاطب

رسانه‌های جریان اصلی کشورمان، سال‌هاست از نیازهای واقعی مخاطبان خود فاصله گرفته‌اند و همین کمسست سبب شده مرجعیت خبری به تدریج از آنها سلب و به رسانه‌های بیرون از مرزها واگذار شود. ریشه این بحران را باید در همان پیوند ظاهراً ساده‌ا اما در حقیقت پیچیده میان رسانه، مخاطب و رویداد جست‌وجو کرد؛ پیوندی که با سه نقص بنیادین در خبرنگرایی رسمی –بی‌اعتنایی به نیاز مخاطب، کم‌رنگ‌سازی ارزش رویداد و سیاست‌زدگی ساختاری– از هم گسسته و شکافی عمیق میان رسانه و جامعه پدید آورده است. بارها در کلاس‌ها و نشست‌های آموزشی، خبرنگاران رسانه‌های حاکمیتی برایم گفته‌اند که مهارت نوشتن خبر را به‌خوبی بلدند و از اصول حرفه‌ای آن بی‌اطلاع نیستند، اما مشکل در جایی دیگر است. سیاست‌گذاری رسانه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شده که اقناع مخاطب و پاسخ‌گویی به نیازهای خبری آن در اولویت قرار ندارد و آنچه برای سردبیران تعیین‌کننده است، جلب نظر مسئولان بالادستی است. سیاست‌گذاران رسانه‌های رسمی باید توجه کنند که نخستین آسیب دقیقاً از همین بی‌اعتنایی به نیاز مخاطب و بی‌توجهی به ارزش رویداد آغاز می‌شود. رسانه‌های رسمی به‌جای آنکه خود را در آینه مخاطب ببینند، در آینه سیاست بازتاب می‌یابند. ارزش خبر نزد آنها نه از دل واقعیت‌های ملموس و زندگی روزمره مردم، که از محاسبات سیاسی استخراج می‌شود. نتیجه روشن است؛ شکافی پایدار میان روایت رسانه و تجربه زیسته مردم. این فاصله هر روز ژرف‌تر می‌شود و پیامد طبیعی آن چیزی جز بی‌اعتمادی و لاد بی‌اعتنایی مخاطب به رسانه نیست. دومین آسیب، سیاست‌زدگی در انتخاب و چینش خبرهاست. درست است که سیاست رسانه‌ای یکی از اضلاع مثلث روزنامه‌نگاری است، اما هنگامی که بر دو ضلع دیگر– نیاز مخاطب و ارزش رویداد– سایه بیندازد، کارکرد رسانه وارونه می‌شود. امروز مخاطب با چند کلیک به انبوهی از روایت‌های گوناگون در شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارد. او می‌بیند، مقایسه می‌کند و واقعیت‌ها را در تجربه زیسته‌اش می‌سنجد. در چنین وضعی، اگر روایت رسانه رسمی با زندگی روزمره مردم همخوان نباشد، نه‌تنها اعتبارش فرو می‌ریزد، بلکه در میدان رقابت با رسانه‌های مستقل و غیررسمی هم شکست می‌خورد. سومین اشکال، به ساختار و نیروی انسانی رسانه‌ها بازمی‌گردد. به‌جای آنکه رسانه‌ها در ایران توسط روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و خبرنگوسان

طنزخوانی

زندگی استادیومی



آردشیر سيار سريع

باز هم داستان جدید در این مملکت درست شده؛ داستانی به نام کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی. بعد از اینکه کل توان کشور چند روز در خدمت حل‌وفصل مسئله فردوسی بود، حالا باید دوباره سوخت‌گیری کنیم تا در مورد مسئله کنسرت شجریان به جمع‌بندی برسیم. دوباره دوگانه «غلط کرده» و «خوب کرده»، دوباره دعوی «بی‌شرف» و «با شرف» و دوباره همان بحث‌های پوچ و بیخودی که تاریخ مصرف یک‌هفته‌ای دارند و بعدش هرکدام از طرف‌های دعوا، سهم خودشان را برمی‌دارند و می‌روند تا دعوی بعدی. خودمانیم، فکر نمی‌کنید دیگر این بحث‌ها مبتذل شده؟ انصافاً خسته نشده‌اید؟ من فکر می‌کردم فقط من بیکارم که هر روز اینجا راجع به مسائل ایران و جهان می‌نویسم و راجع به هر چیزی اظهارنظر می‌کنم! نگو شما هم بیکارید. حالا که اکثرمان بیکاریم و به اندازه کافی وقت داریم، بروسیم در خیابان، رندوم جلوی یک شهروند را بگیریم و برسیم شهروند! نظرت راجع به کنسرت شجریان در میدان آزادی چیست؟ قطعاً شهروند می‌زند توی دهانمان که ای نادان! در این وضعیت که من در تاریکی دنبال آفتابه می‌گردم و دلار هم کانال صد هزار تومان را پاره کرده، سؤال بهتری به ذهنت نرسید بیرسی؟ حالا اگر دوباره از همین شهروند پرسیم آیا باید جلوی کنسرت را بگیریم و شجریان را سروته کنیم؟ باز هم می‌زند توی دهانمان که ای نادان! به تو چه ربطی دارد کی کجا کنسرت می‌گذار؟ بیا برو دغدغه‌ات را مورد نوازش و مهر ویژه خود قرار دادم مرتبه یکبار!

اساساً این بحث‌های کف تویتری تا الان چه سودی برای ما داشته؟ البته جسارت نمی‌کنیم، حتماً سودی برای بعضی‌ها دارد اما مشخصاً برای مردم چه فایده‌ای داشته؟ مشکلی را حل کرده؟ ناترازی را تراز کرده؟ به نتیجه‌ای رسیدید؟ یک‌سری می‌گویند باب گفت‌وگو را در جامعه باز کرده. اگر این فحش و فحش‌کشی‌های تکراری گفت‌وگوست، پس حواله‌دادن ناگفتنی‌ها در استادیوم از سوی تماشاگران دو تیم به هم‌دیگر هم دیالکتیک استعلاعی است. گفت چه گویی عزیز من؟ ما فقط بیهوده داریم توی سر و کله هم می‌زنیم. ما در حاشیه زندگی می‌کنیم. حتی همین مطلب من هم حاشیه است. الان است که آن شهروند باید و مثل مرحوم حمیده خیرآبادی بگوید خُبّه! خُبّه! تو هم طنز نمی‌نویسی؟ تو کات رو درست انجام بده، نمی‌خواود برای ما ادای تحلیلگر عمیق دردمند رو دربازی! ببخشید شهروند عزیز. حق با توست.

خبرخوانی

تلفات زلزله افغانستان

از هزار نفر گذشت

زلزله‌ای قدرتمند شرق افغانستان را لرزاند و خسارات گسترده‌ای به همراه داشت. براساس گزارش جمعیت هلال‌احمر افغانستان، بیش از هشت هزار خانه مسکونی، عمدتاً در ولایت کتر، به‌طور کامل یا جزئی تخریب شده است. همچنین تلفات زلزله مهیب مناطق شرقی افغانستان براساس آخرین آمار جمعیت هلال‌احمر این کشور به هزار و ۴۰۰ کشته و بیش از سه‌هزار و ۲۵۱ زخمی افزایش یافته است. تیم‌های امدادی همچنان در حال جست‌وجو برای نجات افراد گرفتار زیر آوار هستند. رئیس بخش اطلاعات و انتشارات جمعیت هلال‌احمر افغانستان اعلام کرد تیم‌های امداد و نجات در مناطق آسیب‌دیده در حال تلاش برای بیرون‌کشیدن افرادی هستند که زیر آوار گرفتار شده‌اند. با توجه به وضعیت وخیم، انتظار می‌رود آمار قربانیان و زخمی‌ها در روزهای آینده افزایش یابد.

تکذیبیه

اجرای کنسرت‌های خیابانی

اطلاع‌رسانی می‌شود

علیرضا قربانی کنسرت رایگان

برگزار نمی‌کند

گیسوففوری

شاید این جزء معدود دفعاتی در زندگی حرفه‌ای‌ام است که ناگزیرم خبری را که به آن مطمئن بودم، تکذیب کنم. هرچند هنوز نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده که آن جزئیات تأییدشده درباره برگزاری کنسرت‌ها و هنرمندانی که می‌خواهند اجرا داشته باشند، فعلاً قرار است منتشر و تأیید نشود. در خبر نوشته بودم که افراد و گروه‌ها قابل تغییر است. به‌رحال روزگار عجیب و غریبی است و مسائل مختلفی رخ می‌دهد. با این وجود مطمئناً مقدمات برگزاری این کنسرت‌ها انجام شده و هماهنگی‌هایش با نهادهای مختلف انجام گرفته است، اما با توجه به برخی مسائل گفته و ناکفته فعلاً ترجیح داده شده هر خبری درباره آنها بعداً اطلاع‌رسانی شود.

هرکنسرتی پس از تأیید اعلام می‌شود

دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار متنی اعلام کرد هیچ‌یک از اسامی و تاریخ‌های منتشرشده برای اجراهای خیابانی در میدان آزادی به‌جز اجرای همایون شجریان در تاریخ ۱۴ شهریور تأییدشده نیست. در متن منتشرشده از سوی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: «پیرو انتشار اسامی تعدادی از هنرمندان و تاریخ برگزاری کنسرت‌های خیابانی در میدان آزادی از سوی رسانه‌ها، لازم به ذکر است به‌جز اجرای آقای همایون شجریان در تاریخ ۱۴ شهریور، هیچ‌یک از اسامی و تاریخ‌های منتشرشده برای اجرا در میدان آزادی تأییدشده نیست. اسامی و تاریخ‌های اعلام‌شده در رسانه‌ها براساس احتمالات منتشر شده است. بدیهی است مواردی از این دست پس از قطعی‌شدن از سوی مراجع ذی‌ربط رسمی، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

قربانی کنسرت خیابانی برگزار نمی‌کند

روابط‌عمومی علیرضا قربانی در متنی نوشت: «پیرو خبر منتشرشده در روزنامه «شرق» مبنی بر اجرای علیرضا قربانی در کنسرت رایگان میدان آزادی، اعلام می‌شود که ایشان در پروژه پیش‌روی میدان آزادی هیچ اجرایی ندارند. خواهشمند است برای آگاهی مخاطبان محترمتان این خبر را اصلاح فرمایید». تأکید می‌شود علیرضا قربانی، خواننده موسیقی ایرانی، در حال حاضر کنسرت «ایرانم» را در محوطه باز استادیوم آزادی برگزار می‌کند و هر شب میزبان هفت‌هزار و ۵۰۰ نفر از مخاطبان موسیقی است.

خارجی‌خوانی

عاشقی در افغانستان

منوع‌شد

حکومت طالبان قانون جدید «تنظیم مشاعره» را منتشر کرد که بر اساس آن سرودن شعر عاشقانه یا درباره دختران و پسران ممنوع است. رهبر طالبان، هبت‌الله آخوندزاده، قانونی جدید برای نظارت بر مشاعره (مجلس‌های شعرخوانی) تصویب کرده است و طبق آن شعری که ستایش عشق یا انتقاد از فرمان‌های او را در بر داشته باشد، ممنوع اعلام شد. این قانون در روزنامه رسمی افغانستان منتشر شده است. هیت نظارتی با حضور وزارت اطلاعات و فرهنگ، امر به معروف و نهی از منکر و شوروی علمای طالبان مسئول بررسی محتوا خواهد بود. طبق این قانون «شعر باید خالی از عشق مجازی، خواهرشات ناروا و احساسات بی‌جا باشد». متخلفان مطابق احکام شریعت مجازات می‌شوند. این قانون موسوم به «قانون تنظیم شعرخوانی» شامل ۱۳ ماده در دو فصل است. در این قانون شعر عاشقانه، عشق زمینی، خواسته‌های نامناسب و تمجید از دوستی بین پسران و دختران ممنوع شده است. در این قانون، رفتارهایی چون رقص ملی، کف‌زدن و سوت‌زدن به عنوان «آداب و اخلاق غیراسلامی» ممنوع شده‌اند. شاعران ملزم به پرهیز از ستایش دختران و پسران، عشق خیالی یا ذکر ایدئولوژی‌هایی مانند فمینیسم، دموکراسی، ناسیونالیسم و الحاد بوده‌اند. این قانون همچنین توزیع بروشورهای ترویج فقه حنفی و ارزش‌های اسلامی را توصیه کرده است. در این قانون تصمیم‌های رهبر طالبان، هم ممنوع اعلام شده است. در این قانون به اجتناب جدی از «توهین صریح یا کنایی به شعائر اسلامی، ست‌های رسول‌الله، سلف صالحین و علمای کرام» توصیه شده و آمده که از تحقیر و کوچک‌شماری اقوام، زبان‌ها، سمت‌ها و مسلمانان هم خودداری شود.

با خواست اوست. در ژورنالیسم زرد معمولاً خواست مخاطب -حتی اگر سطحی و گذرا باشد- مبنای تولید خبر قرار می‌گیرد، حال آنکه در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، رسانه باید میان این دو تمایز بگذارد. گاهی نیاز و خواست مخاطب یکی است، مثل اطلاع از وضعیت قیمت‌ها یا خبرهای مربوط به بحران‌های طبیعی، اما گاهی سیاست بر خبر چگونه مسیر تحریریه را این وظیفه رسانه است که آن را یادآوری کند، مسائلی مانند محیط زیست یا خطرات امنیت سایبری از همین دست‌اند. رسانه‌های رسمی ایران در هر دو زمینه عقب مانده‌اند؛ نه به خواست مخاطب بها داده‌اند و نه توانسته‌اند نیاز او را طراحی و بازتاب دهند. از همین رو، بسیاری از سوزه‌هایی که در این رسانه‌ها بازتاب می‌یابند، نه دغدغه عمومی‌اند و نه پاسخی به پرسش‌های واقعی جامعه. یکی دیگر از آفت‌های رسانه‌های رسمی در ایران، پستوگرایی در انتخاب سوزه‌هاست. بسیاری از موضوعات و اتاق‌های درسته نهاده‌ا، احزاب یا محافل سیاسی بیرون می‌آید و سپس به رسانه‌ها تزریق می‌شود. این فرایند نه‌تنها نیاز و ارزش رویداد را نادیده می‌گیرد، بلکه مخاطب را هم به این باور می‌رساند که رسانه سخنگوی قدرت است، نه بازتاب‌دهنده جامعه. مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری به دنبال عودی گریانی است. او آنچه را می‌پذیرد که با زندگی روزمره‌اش سروکار داشته باشد. برای او سیل، گرانی، مشکلات شهری، اشتغال و آینده فرزندان عینیت‌هایی ملموس‌اند. رسانه رسمی وقتی این عینیت‌ها را نادیده می‌گیرد یا روایتش را به گونه‌ای بازتاب می‌دهد که با تجربه زیسته مردم فاصله دارد، عملاً خود را از دایره اعتبار بیرون می‌گذارد. سرمایه اصلی هر رسانه، مخاطبان آن هستند. اگر این سرمایه فرسوده شود، رسانه از دو جهت زیان می‌بیند: نخست آنکه از عینیت فاصله می‌گیرد، زیرا دیگر قادر به بازتاب درست واقعیت‌ها نیست و دوم آنکه از پیوند با ذهن و احساس مخاطب محروم می‌شود، چراکه زبان مشترک خود را با جامعه از دست داده است.

مسئله اصلی رسانه‌های رسمی ایران، غیبت مردم در خبرهاست. تا زمانی که نیاز مخاطب و ارزش رویداد در حاشیه سیاست بمانند و تحریریه‌ها به‌جای روزنامه‌نگاران حرفه‌ای با کنشگران سیاسی پر شوند، شکاف میان رسانه و جامعه پرشدنی نیست. رسانه پیش از آنکه ابزار سیاست باشد، ابزار ارتباط است و اگر این ارتباط با مردم برقرار نشود، هیچ سیاستی توان ترمیم آن را نخواهد داشت.

حقوق خوانی

تزل داد. گرچه این رای به موجب ماده ۴۷۱ «قانون آیین دادرسی کیفری» (۱۳۹۲) برای همه مراجع قضائی لازم‌الاجاب است، اما در ماده ۴۷۲ همین قانون امکان تغییر به موجب قانون یا رای وحدت رویه متأخر پیش‌بینی شده است. پیشنهاد می‌شود در صورت اصلاح قانون مطبوعات، هیئت‌منصفه به جایگاه واقعی خود بازگردد.

پنجم. تبصره دوم ماده ۵ «قانون مطبوعات» مصوبات شورای عالی امنیت ملی را برای مطبوعات لازم‌الاجاب می‌داند، اما هیچ اشاره‌ای به جزئیات ندارد. در عمل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با نامه‌هایی به مطبوعات مانع انتشار مطالبی شده که مشخص نیست مستند به مصوبه شورای عالی امنیت ملی (متن مصوب از سوی شورا با ترکیب اصل ۱۷۴ قانون اساسی و تأیید مقام رهبری) است یا فقط امضای دبیر شورای عالی امنیت ملی را دارد. ششم. ماده ۲۶ «قانون مطبوعات»، بیان می‌کند: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، درصورتی‌که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد». جدای از نقض اصل قانونی‌بودن مجازات به دلیل عدم بیان کیفر در متن قانون، وجود این ماده در حالی که بخش حدود «قانون مجازات اسلامی» (۱۳۹۲) نسبت به موضوع ساکت است، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

هفتم. حال که قوه قضائیه قصد ضابطه‌مندی رسانه‌ها را دارد، بهتر بود فکری نیز در زمینه سازمان صداوسیما می‌شد. در انتهای اصل ۱۷۵ قانون اساسی می‌خوانیم «قظمشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند». و مصوبه «قانون خطمی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران» (۱۷ تیر ۱۳۶۱) و «اساسنامه سازمان صداوسیما» (سوم آبان ۱۳۶۲) با توجه با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ نیاز به اصلاح اساسی و روزآمدسازی در جهت بهره‌وری بیشتر از رسانه ملی که با تشکیلاتی وسیع و بودجه‌ای هنگفت اداره می‌شود، دارد.

۱۴۴۰۰ پزشک

ظرفیت پذیرش پزشکی سال ۱۴۰۴ نهایی شد و به بیش از ۱۳ هزار نفر افزایش یافت. طاهری‌نیا، دبیر ستاد علم و فناوری شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به تکلیف ضروری مبنی بر افزایش سالانه ۲۰درصدی ظرفیت از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ برای تأمین نیروی انسانی مناطق محروم، فرایند تعیین ظرفیت امسال را تشریح کرد.



وکیل دادگستری

امتیاز نشریه، توقیف مطبوعات و ابطال پروانه. هر سه این وظایف خلاف قانون اساسی است. با توجه به اصل ۲۴ قانون اساسی «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند...». در نتیجه، انتشار نشریه به حق شهروندی است و نه امتیاز؛ توقیف مطبوعات در صورت ضرورت یک اقدام احتیاطی بوده و در صلاحیت دادسرا قرار دارد و ابطال پروانه نیز که شدیدترین نوع مجازات و در حکم اعدام برای اشخاص حقیقی است، مانند اعمال هر مجازاتی با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی که صراحت دارد «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح باشد». تنها در حوزه اختیارات قضات دادگستری است. پس هر سه کارکرد محبت نظارت بر مطبوعات خلاف قانون اساسی بوده و انتظار می‌رود در اصلاحات حذف شود. جالب اینکه در «قانون مطبوعات» مصوب ۱۸ اسفند ۱۲۸۶ (۱۱۸ سال قبل)، انتشار مطبوعات نیاز به مجوز نداشته و نشریه به ارسال یک اظهارنامه به وزارت انطباعات، شروع به فعالیت می‌کرد. چهارم. هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه شماره ۸۳۷ مورخ چهارم مهر ۱۴۰۲ با این استدلال که «... با عنایت به استقلال قاضی در صدور رای و تکلیف وی به رعایت قانون، ملزم به تبعیت از نظر هیئت‌منصفه نمی‌باشد...»، شأن نهاد هیئت‌منصفه را که در اصل ۱۶۸ قانون اساسی به‌عنوان بخشی از دادرسی عادلانه پذیرفته شده، به نهادی مشورتی

۱.۲ میلیون نفر

بر اساس تحلیل جدید مرکز تحقیقات «پیو»، اقتصاد آمریکا با یک شوک بی‌سابقه روبه‌رو شده است. بین ماه‌های ژانویه تا جولای ۲۰۲۵، بیش از ۱.۲ میلیون مهاجر از بازار کار این کشور خارج شده‌اند که این اتفاق، برای نخستین بار طی دهه‌های گذشته، به کاهش جمعیت کلی مهاجران انجامیده است. مهاجران نزدیک به ۲۰ درصد نیروی کار آمریکا را تشکیل می‌دهند.

رئیس قوه قضائیه ۱۹ مراد در دیدار با خبرنگاران بیان کرد: «قانون مطبوعات در سال ۱۳۶۴ تدوین شده و آخرین اصلاحات عمده صورت‌گرفته بر روی این قانون، مربوط به سال ۱۳۷۹ است؛ بر همین اساس، از همه اصحاب رسانه می‌خواهم که حداکثر تا ۱۵ شهریور به ما اعلام کنند که آیا نیاز به اصلاح و بازنگری قانون در حوزه رسانه وجود دارد یا خیر؟ چنانچه پاسخ اهالی رسانه به این پرسش، مثبت است، قید کنند که در چه حوزه‌هایی باید این اصلاح و بازنگری اعمال شود». نگارنده فرصت را مغتنم شمرده و به سبب خود چند نکته و پیشنهاد را اعلام می‌کند:

نخست. واقعیت این است که چون طرح از سوی رئیس قوه قضائیه پیشنهاد شده است و ابتکار عمل در دست مدیران دستگاه قضائی قرار دارد، اهالی رسانه را تا حدی نگران می‌کند. همین چندی پیش ارائه لایحه قضائیی «لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» از سوی قوه قضائیه موجی از انتقادها را برانگیخت که در نهایت دولت به دلیل ایرادهای فراوان، ناچار به استرداد لایحه شد. اگر روزنامه‌نگاران در شرایط کنونی تمایلی به اصلاح قانون مطبوعات داشته باشند، از طریق نهاد صنفی خود (انجمن روزنامه‌نگاران) بیان خواهند کرد.

دوم. بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی» را یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه دانسته است. شورای نگهبان در تفسیری که در ۳۰ مهرماه ۱۳۷۹ از این اصل داشت، از یک طرف ارائه لایحه قضائی را مختص قوه قضائیه دانسته و از سوی دیگر هیچ حقی برای دولت در تغییر این لوایح قائل نشده است. اگر قرار است قوه قضائیه لایحه‌ای برای اصلاح قانون مطبوعات ارائه کند، انتظار می‌رود علاوه بر دریافت پیشنهادهای روزنامه‌نگاران، نظر مساعد دولت را نیز جلب کند که در میانه راه دچار جالش دیگری نشود.

سوم. در «قانون مطبوعات» مصوب سال ۱۳۶۴ نهادی به نام «هیئت نظارت بر مطبوعات» پیش‌بینی شده که سه کارکرد دارد: صدور پروانه یا

۵۲۰ میلیون سال

دانشمندان یک فسیل لارو بنیادی ۵۲۰ میلیون ساله را کشف کرده‌اند که بافت‌های نرم آن شامل مغز، غده گوارشی، دستگاه گردش خون و ساختارهای عصبی به طرز خارق‌العاده‌ای حفظ شده است. پژوهشگران با استفاده از توموگرافی پرتو ایکس، تصاویر سه‌بعدی ساختند که سطحی غیرمنتظره از پیچیدگی در بنیادپایان اولیه را آشکار و دیدگاه‌ها درباره تکامل آنها را دگرگون کرد.